

نشست جی-۷ یا دارالندوه‌ای جهانی!

نشست رهبران هفت کشور صنعتی جهان (G7) این بار از ۱۹ تا ۲۱ ماه می، در منطقه‌ی هیروشیما‌ی جاپان برگزار شد. در بخشی از بیانیه‌ای پایانی این نشست آمده است که امارت اسلامی باید به تعهدات خویش علیه «تروریسم» عمل کند. از جمله از نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باید جلوگیری شود، حکومت همه‌شمول شکل بگیرد، برای فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان محدودیت وضع نشود و ...

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان در این مورد نکات ذیل را قابل ذکر می‌داند:

۱. در بیانیه آمده است: "ما از طالبان می‌خواهیم که به تعهدات خود در زمینه مبارزه با تروریسم پابند باشد." باید گفت که در مصطلحات اسلامی، «تروریسم» یک مفهوم ناشناخته است. این اصطلاح مبتنی بر دیدگاه سیاسی غرب طراحی شده است که بیشتر برای سرکوب دشمن خویش از آن استفاده می‌برند. رهبران جی-۷ در حالی امارت اسلامی را متعهد به مبارزه علیه تروریسم می‌دانند که ۲۰ سال تحت همین عنوان، علیه اسلام و بخصوص مجاهدین امارت اسلامی جنگیدند؛ سرزمین‌های مسلمانان را اشغال کردند، جسدها را به بم و باروت بستند و اذهان مسلمانان را با سلاح فکری خویش مورد هدف قرار دادند. این درحالیست که در فرهنگ لغات آکسفورد، در تعریف تروریسم آمده است: "استفاده غیرقانونی از قوه و خشونت و هراس افکنی، به خصوص علیه غیرنظامیان، به هدف پیشبرد اهداف سیاسی." در این صورت این سران نشست جی-۷ که خود را رهبران جهان برمی‌شمارند بزرگ‌ترین تروریست‌های روی زمین اند. این‌ها نه تنها علیه مسلمانان بلکه علیه بشریت جنایت نموده و همچنان می‌کنند. این نشست در هیروشیما برگزار شده بود، منطقه‌ی که بزرگ‌ترین قربانی تروریسم امریکایی محسوب می‌شود. جالب این‌که رهبران امریکایی در هیروشیما نشسته و از مبارزه علیه تروریسم حرف می‌زنند. آن‌ها از پرتاب اولین بمب اتمی در آنجا نه تنها این‌که پشیمان نیستند بلکه شرمی هم ندارند که بیش از ۲۰۰ هزار انسان را در یک زمان به هلاکت رسانیدند!

۲. در بخش دیگری از بیانیه آمده است که "ما شدیدترین مخالفت خود را با نقض سیستماتیک حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط طالبان ابراز می‌کنیم و خواستار لغو فوری تصمیمات غیرقابل قبول به ویژه در پیوند به تصامیم طالبان علیه زنان و دختران هستیم."

حقا که بشر دارای حقوق و مکلفیت‌ها است، اما آن‌ها را تنها خالق بشر تعیین می‌کند. در حالی که حقوق بشر یک مفهوم خاص است که مبتنی بر عقیده سیکولار شکل گرفته است؛ از این‌رو بر مسلمانان حرام است که به رعایت آن متعهد

باشند. از سوی دیگر این دولت اسلامی است که باید حقوق و تکالیفی را که الله متعال نازل کرده معطل نسازد، بلکه برعکس تنها برای رضایت رب خویش آن را تطبیق نماید.

۳. در بیانیه همچنان از مشارکت ملی و حکومت فراگیر یادآوری شده است؛ در حالی که همه شمول بودن یک نظام از مصطلحات جدید است که اسلام با آن بیگانه می‌باشد. این اصطلاح از یک طرف مبتنی بر دیدگاه قومی، زبانی، نژادی و اقلیت‌ها شکل گرفته؛ افزون بر آن مظهری از افکار پلورالیزم غربی است که شکل‌دهی نظام سیکولار را در جوامع تضمین می‌کند. حکومت همه‌شمول همان نظامی است که سیکولار بوده و هر نوع انسان‌ها و گروه‌ها را با هر نوع عقیده و ارزش‌های شان مشارکت می‌دهد که این نوع مشارکت از یک طرف ارزش‌های غربی را تضمین می‌کند و از سوی دیگر برای نفوذ مهره‌های استخباراتی نیز زمینه‌سازی می‌نماید.

اما در نظام سیاسی اسلام، اصل بر تقوی و ظرفیت کاری است. در نظام اسلام تنها کسانی در پست‌های رهبری می‌توانند مقرر شوند که به اسلام ایمان داشته و تطبیق آن را مکلفیت خود می‌دانند. پس نظام اسلامی محدود به یک قوم و قشر خاص نیست، و نه محدود به کسانی می‌باشد که جامعه را به رجال دین (علمای دین) و رجال دنیا (سیاست‌مداران) تقسیم کرده و خود را برچسب «رجال دین» می‌زنند.

۴. یکی از تاکیدات دیگر بیانیه‌ای جی-۷ عبارت از عدم محدودیت بر فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان می‌باشد. این در حالیست که سازمان ملل بر مبنای عقیده سیکولار شکل گرفته و به اساس فعالیت جهانی که دارد این مسأله را هدف خود می‌داند که عقیده سیکولار و ارزش‌های لیبرال را منحصراً دین جهانی ترویج، تطبیق، حفاظت و نظارت کند. همچنان سازمان ملل مشروعیت دهنده‌ای منافع سیاسی و استعماری قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا بوده و نهادهای وابسته به آن بحیث لانه‌های استخباراتی کشورهای استعمارگر عمل می‌کنند. پس حرام است که در میثاق این گونه سازمان‌ها داخل شد، در حالی که هدف اصلی آن‌ها این است که ما را از میثاق الله متعال خارج ساخته و از تطبیق اسلام در روی زمین جلوگیری کند، و نگذارد که تنها اسلام بشریت را رهبری نماید.

اعضای این دارالندوه با تمام توان خود کوشش می‌کنند که دولت خلافت تاسیس نشود، و نیز اسلام منحصراً نظم جدید جهانی ظهور نکند. این قلدان جهانی و سازمان‌های شان با صراحت از عقیده و دین خود حرف می‌زنند، و با جرئت از جهانی بودن ارزش‌های شان دفاع کرده و جهان را مجبور می‌سازند تا به دین جهانی آن‌ها داخل شوند، در حالی که این جرئت باید از آن مسلمانان باشد. زیرا این‌ها اند که یگانه دین حق را با خود دارند که پیامش سراسر سیاسی و جهانی است؛ به همین خاطر مسلمانان به اقامه و اظهار آن مکلف ساخته شده‌اند. پس تطبیق اسلام توسط خلافت نه تنها یک ضرورت است، بلکه مکلفیت شرعی ما نیز می‌باشد. این مکلفیت زمانی عملی می‌شود که خود را از مکلفیت‌هایی آزاد سازیم که جهان سیکولار و سازمان‌های وابسته به آن بارها از عملی شدن آن حرف می‌زنند، تهدید و تحریم می‌کنند و سرانجام فشار می‌آورند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان